

تمایزات شیعی – سنی نگرش جنسیتی در

ایران

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۶

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۰/۲۳

یعقوب فروتن

دانشیار دانشگاه مازندران، بابلسر - y_foroutan@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی مناسبات بین هویت مذهبی و نگرش جنسیتی است و شواهد پژوهشی به منظور شناخت بهتر برخی از مهم ترین الگوها و تعیین کننده های مرتبط با نگرش جنسیتی گروه های شیعی و سنی مذهب را ارائه می کند. مباحث این مقاله مبتنی بر تجزیه و تحلیل های یک بررسی پیمایشی است که جمعیت نمونه آن در مجموع ۴۲۶۷ نفر از مردان و زنان پانزده ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان های اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم آباد، سقز، کامیاران، گنبد کاووس، محمودآباد و همدان هستند. مطابق با نتایج اولیه و مقدماتی این تحقیق می توان گفت در اغلب گویه های جنسیتی تحقیق، نحوه نگرش دو گروه شیعی و سنی مذهب کمابیش شبیه و همانند یکدیگر است. در عین حال بیشترین سطح تفاوت بین دو گروه شیعی و سنی مذهب را می توان در نحوه نگرش آنان درباره اشتغال زنان در کار خارج خانه مشاهده کرد: در حدود ۷۲ درصد جمعیت شیعی مذهب و در حدود ۶۵ درصد جمعیت سنی مذهب دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند. با این همه نگرش جنسیتی بیش از آنکه تحت تأثیر و ناشی از مذهب و تعلق مذهبی باشد، بیشتر تحت تأثیر متغیر جنس است؛ بدین معنا که زنان شیعی و سنی مذهب، به میزان یکسان و مشابه همدیگر بیش از مردان هم مذهبی خودشان، دارای نگرش مثبت به این مؤلفه ها و گویه های جنسیتی هستند؛ برای نمونه ۸۰ درصد زنان شیعی مذهب و ۷۴ درصد زنان سنی مذهب دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ در حالی که این نسبت در مقایسه با مردان هم مذهبی

آنان به مراتب کمتر و پایین تر (به ترتیب، ۶۴ درصد و ۵۶ درصد) است. افزون بر این، این الگوهای کلی نگرش جنسیتی گروه های مذهبی تحت تأثیر دو دسته عوامل تعیین کننده شامل متغیرها و تعیین کننده جمعیت شناختی پایه (محل سکونت، وضعیت تأهل، سن و سطح تحصیلات) و متغیرهای مرتبط با مؤلفه های دین و دین داری است. جان کلام اینکه نتایج تحقیق حاضر را می توان این گونه جمع بندی و تبیین کرد که تعلقات دینی و مذهبی به مثابه یک عنصر ثانوی در تبیین نگرش جنسیتی عمل می کنند و سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و واقعیت های زندگی روزمره نقش به مراتب مهم تری ایفا می کنند که به ویژه باید به نقش تعیین کننده متغیرهایی همچون روستانشینی در برابر شهرنشینی، سنت گرایی و بی سوادی در برابر مدرنیسم و نوگرایی و گسترش تحصیلات عالی اشاره کرد.

واژگان کلیدی:

هویت مذهبی، نگرش جنسیتی، گروه های شیعی و سنی مذهب، ایران.

مقدمه و طرح مسئله

در دهه های اخیر جوامع بشری با تحولات بسیار وسیع و عمیق در زمینه نگرش جنسیتی روبه رو شده اند؛ به طوری که برخی اندیشمندان معاصر همچون دیویس (۱۹۸۴) و کوترو و همکاران (۲۰۰۱) از آن تحت عنوان یک انقلاب اجتماعی به مراتب مهم تر، یعنی «انقلاب در نقش های جنسیتی» نام می برند که لازم است ابعاد گوناگون آن از جمله ابعاد مذهبی آن بررسی علمی شود. از سوی دیگر کشور ما دارای تنوع قومی - مذهبی بسیار گسترده ای است. به همین سبب، ضرورت و اهمیت مطالعات و تحقیقاتی همچون پژوهش حاضر که هدف بنیادین آنها بررسی تفاوت های مذهبی مرتبط با نگرش جنسیتی است، به مراتب بیشتر می شود. افزون بر این، جامعه ما نیز نه تنها در دهه های اخیر تحولات چشمگیری را در زمینه نگرش جنسیتی تجربه کرده است؛ بلکه در دوره معاصر مباحثی نیز در عرصه های عمومی پیرامون الگوهای متفاوت گروه های مذهبی مطرح می شود که مستلزم بررسی دقیق علمی و پژوهشی است. بدین ترتیب مجموعه این مباحث بر ضرورت و اهمیت تحقیقات و مطالعات علمی تأکید می کند تا بتوان در یک فضای علمی و بر پایه یافته های پژوهشی و شواهد تجربی، ابعاد و زوایای متعدد مناسبات بین نگرش جنسیتی و تعلق مذهبی را بررسی و شناسایی کرد.

بنابراین نوشتار حاضر معطوف به تأثیرات هویت مذهبی بر نگرش جنسیتی است و هدف بنیادین آن نیز پاسخ به این پرسش کلیدی است که آیا اساساً نگرش جنسیتی، تابعی از هویت مذهبی است؟ به بیان دقیق‌تر، تأکید و تمرکز این تحقیق بر دو گروه شیعی و سنی مذهب است و به همین سبب، مهم‌ترین هدف تحقیق، معطوف به این پرسش‌های تحقیق است که مهم‌ترین الگوها و تعیین‌کننده‌های نحوه نگرش جنسیتی این گروه‌های مذهبی کدام‌اند؟ بی‌گمان این قبیل پرسش‌های تحقیق در جهان معاصر از ضرورت و اهمیت فراوان برخوردارند؛ برای نمونه در اینجا به چند مورد آن در میان گروه‌های متعلق به ادیان اصلی جهان اشاره می‌کنیم. نمونه اول مربوط به یک گروه مذهبی یهودیان موسوم به «فرقه هریدی» (Heredi Jewish) است که دارای نگرش بسیار قوی و سنتی در زمینه نقش‌های جنسیتی و تفکر خاص درباره تفکیک جنسیتی (Gender Segregation) به‌ویژه در عرصه‌های عمومی هستند؛ به‌طوری که معتقدند حتی تصاویر و عکس زنان نیز نباید در جراید و نشریات عمومی چاپ و منتشر شود. میلر (Miller) (۲۰۱۵) به نمونه‌ای اشاره می‌کند که عکس رهبران سیاسی جهان شامل شماری از زنان از جمله صدراعظم آلمان، خانم آنجلا مرکل در یکی از نشریات این فرقه مذهبی منتشر شده بود؛ اما پس از مدتی تصاویر این زنان برداشته شد. نمونه دوم مربوط به یک گروه مذهبی مسیحیان موسوم به «کیوورفول» (Quiverfull) است که نگرش جنسیتی سنتی دارند؛ به‌طوری که از دیدگاه آنان زنان به اطاعت کامل از شوهران خویش موظف‌اند و وظیفه آنان را صرفاً به دنیا آوردن فرزندان بسیار و نقش مادری و حضور کامل در داخل خانه می‌دانند. افزون بر این در میان مسلمانان نیز گروه‌هایی وجود دارد که نوع نگرش جنسیتی آنها به گونه‌ای است که در برخی موارد به‌ویژه در جوامع عربی خاورمیانه، چالش‌های جدی برای حضور زنان در عرصه‌های عمومی، حتی در زمینه حق رانندگی پدید می‌آید؛ زیرا عرصه فعالیت زنان و نقش‌های جنسیتی آنان را در چارچوب خانه و خانه‌داری می‌دانند (ر.ک: گلدستون و همکاران، ۱۳۹۵). بر همین اساس، هدف اصلی تحقیق حاضر این است که پرسش‌های کلیدی یادشده مطالعه و بررسی شوند و در حد امکان شواهد پژوهشی و تجربی مناسب برای شناخت برخی از مهم‌ترین الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با مناسبات بین نگرش جنسیتی و تعلقات مذهبی با تأکید بر بررسی تطبیقی گروه‌های شیعی و سنی مذهب ارائه شود.

بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق

درمجموع، مطابق بررسی تحقیقات پیشین می‌توان گفت حجم بسیار فزاینده مطالعات و

تحقیقات در حوزه نگرش جنسیتی در جوامع گوناگون در سرتاسر جهان از جمله جامعه ما انجام شده است (ر.ک: فروتن ۱۳۸۸/ همو، ۱۳۹۴/ Idem, 2019)؛ اما تحقیقات و مطالعات معطوف و متمرکز بر روی ملاحظات مذهبی نگرش جنسیتی چندان چشمگیر نیست. این واقعیت در برخی جوامع از جمله جامعه ما به مراتب برجسته تر و مشهودتر است؛ چون با وجود اینکه تنوع قومی و مذهبی در سرتاسر کشور ما بسیار زیاد و گسترده است؛ اما قدمت و وسعت تحقیقات علمی در زمینه نقش و جایگاه این تنوع قومی و مذهبی بر نگرش جنسیتی چندان برجسته و چشمگیر نیست. بررسی تطبیقی نتایج تحقیق اسدی و همکاران (۱۳۵۶) در دهه ۱۳۵۰ و تحقیق عبدی و گودرزی (۱۳۷۷) در دهه ۱۳۷۰ به خوبی نشان دهنده تحولات عمیق در نگرش های جنسیتی در جامعه ماست؛ به طوری که مثلاً در مقایسه با گذشته، امروزه نسبت بیشتری با کار خارج خانه زنان، نگرش مثبت و موافق دارند (See; Shaditalab, 2005, p.47). گفتنی است که این گونه تحولات نگرشی در نقش های جنسیتی را در ادبیات تحقیق، اصطلاحاً تحت عنوان «انتقال فرهنگی بین نسلی نگرش ها»^۱ نام نهاده اند (See: Fortin, 2005, p.164/ Foroutan, 2015, p.172). نتایج تحقیق طالب و گودرزی (۱۳۸۳) در زمینه بررسی مناسبات بین قومیت و جنسیت در گروه های قومی سیستان و بلوچستان نشان داده است در مطالعات انجام شده پیشین در زمینه قومیت، بُعد جنسیتی قومیت نادیده گرفته شده است؛ در حالی که نتایج تحقیق آنها اهمیت نگرش های جنسیتی در زمینه رشد هویت یابی گروه های قومی در استان سیستان و بلوچستان را تأیید و بر آن تأکید می کند. نتایج تحقیق خمسه ای (۱۳۸۵) در میان دانشجویان دختر و پسر دو گروه قومی فارس و کرد نشان داده در میان دانشجویان دختر اعم از فارس و کرد، تفاوت معناداری از نقطه نظر طرح واره های نقش جنسیتی وجود ندارد؛ در حالی که این تفاوت های قومی در میان دانشجویان پسر معنادار است. مطابق نتایج تحقیق حسینی و عباسی شوازی (۱۳۸۹) در میان زنان کرد و ترک شهرستان ارومیه، تفاوت معناداری بین این دو گروه قومی وجود دارد؛ به طوری که کردها (غالباً سنی مذهب) از سطح بالنسبه بالاتر فرزندآوری در مقایسه با ترک ها (غالباً شیعی مذهب) برخوردارند. نتایج تحقیق محمودیان و نوبخت (۱۳۸۹) بر گروه های مذهبی سنی و شیعه شهر گله دار استان فارس نشان داده نه تنها زنان سنی مذهب از سطح فرزندآوری بیشتری نسبت به زنان شیعی برخوردارند؛ بلکه حتی پس از ورود متغیرهای کنترل نیز این

1. The intergenerational cultural transmission of attitudes.

تفاوت بين زنان سنی مذهب و زنان شيعی مذهب کماکان معنادار باقی مانده است. نتايج فراتحليل ترکاشوند (۱۳۹۱) نیز نشان داده تحقيقات انجام شده بيشتر به شمار اندکی از گروه های قومی محدود بوده و مطالعه تطبیقی این قومیت ها نیز بسيار اندک و ناچيز است. نتايج تحقيق فروتن و همکاران (۱۳۹۵) در شهرستان بجنورد نشان داده مردان شيعی و سنی مذهب نگرش های جنسیتی کمابيش مشابهی دارند؛ درحالی که نگرش جنسیتی زنان شيعی و سنی مذهب با همدیگر متفاوت است؛ برای نمونه زنان شيعی مذهب بيش از زنان سنی مذهب به اشتغال زنان نگرش مثبت دارند.

افزون بر این، طيف بسيار گسترده و فزاینده ای از تحقيقات و مطالعات خارجی به بررسی الگوها و تعيين کننده های نگرش های جنسیتی با تأکید بر ملاحظات قومی و مذهبی آن پرداخته اند؛ برای نمونه نتايج یک تحقيق در سال ۱۹۷۱ نشان داد وجود نگرش های جنسیتی متفاوت در میان گروه های مذهبی در لبنان سبب شد زنان شيعی مذهب دارای بالاترين سطح فرزندآوری، یعنی به طور متوسط حدود ۷ فرزند به ازای هر زن بودند؛ درحالی که این میزان در جمعیت سنی مذهب برابر با تقريباً ۶ فرزند، در میان کاتولیک ها نزديک به ۵ فرزند و در میان جمعیت غير مسیحیان نیز تقريباً ۴ فرزند به ازای هر زن بود (ر.ک: گلدستون و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۴۱). مطالعات مشهور هانتینگتون (۱۹۹۶) نیز ناظر بر نقش تعيين کننده عناصر جمعیت شناختی و فرزندآوری زنان گروه های مذهبی است؛ زیرا وی استدلال می کند آن دسته از گروه های مذهبی که به لحاظ جمعیت شناختی و فرزندآوری رو به رشد و گسترش هستند، به گروه هایی که رشد آنها کندتر است، فشار می آورند که به برخورد میان گروه های مذهبی می انجامد. یافته های تحقيق ماریونک و همکاران (۱۹۹۴) بر روی چند گروه قومی و نژادی شامل سفیدپوستان و سیاه پوستان و آسیایی ها نشان داد نگرش های جنسیتی زنان به طور چشمگیری متمایل به رویکرد تساوی جنسیتی (برابری طلبانه) است؛ درحالی که کسانی که از دین داری بالاتری برخوردارند، معمولاً نگرش های جنسیتی سنتی دارند. نتايج تحقيق بلی و تیکامایر (۱۹۹۵) درباره تفاوت های قومی و نژادی در زمینه نگرش های جنسیتی مردان در ایالات متحده نشان داده اگرچه نگرش های جنسیتی در میان سفیدپوستان و سیاه پوستان متفاوت است؛ اما این تفاوت های قومی و نژادی در زمینه نگرش های جنسیتی به تدریج در طول زمان کمتر و کم رنگ تر می شود. نتايج تحقيق برتود (۲۰۰۰) نشان داد گروه های قومی در بریتانیا

نگرش‌های جنسیتی متفاوتی دارند که پیامدهای آن دو الگوی کاملاً متفاوت فرزندآوری است؛ بدین معنا که زنان گروه قومی جنوب آسیا به‌ویژه پاکستانی‌ها و بنگلادشی‌ها غالباً دارای خانواده‌های بزرگ و پرفرزند هستند؛ در حالی که خانواده «تک‌والدی» که فرزندان فقط با یکی از والدین (معمولاً مادر) زندگی می‌کنند، در میان گروه قومی کارائیبی بسیار رایج است. مطابق نتایج تحقیقات ساجدا امین و بوساراوان (۲۰۰۹) در کشور ویتنام، رشد سریع اقتصادی در دهه‌های اخیر در منطقه جنوب آسیا از جمله در ویتنام باعث شده است دو الگوی کاملاً متفاوت در میان گروه‌های قومی این کشور شکل گیرد؛ به طوری که گروه اکثریت ویتنامی‌ها و قومیت‌های چینی‌الاصل دارای نگرش‌های جنسیتی مدرن (مانند افزایش اشتغال زنان و کاهش باروری) هستند؛ حال آنکه دیگر گروه‌ها و اقلیت‌های قومی غالباً دارای الگوهای سنتی نقش‌های جنسیتی هستند. نتایج تحقیق فروتن (۲۰۱۵) در استرالیا و نیوزیلند نیز نشان داده قومیت و مذهب نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین نگرش‌ها و نقش‌های جنسیتی دارد؛ بدین معنا که زنان متعلق به گروه‌های قومی و مذهبی متعلق به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا معمولاً نگرش‌های جنسیتی سنتی دارند و در نتیجه از سطح بالای باروری و میزان پایین اشتغال برخوردارند؛ اما زنان متعلق به گروه‌های قومی سریلانکایی و هندی دارای میزان بسیار بالای مشارکت در بازار کار هستند. نتایج تحقیق فروتن (۲۰۱۵) و (۲۰۱۷) نیز در دو کشور اصلی قاره اقیانوسیه، یعنی استرالیا و نیوزیلند نشان داده گرچه مسلمانان اعم از شیعی و سنی مذهب در مقایسه با دیگر گروه‌های دینی و مذهبی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی بالنسبه پایین تری برخوردارند که تا حدود زیادی ناشی از نحوه نگرش جنسیتی است؛ اما این الگوی کلی لزوماً بر تمامی گروه‌های دینی و قومی مسلمانان صدق نمی‌کند؛ زیرا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی گروه‌های دینی و قومی مسلمانان به طور معناداری تابعی از خاستگاه و زادگاه اصلی آنان است. به عبارت دقیق‌تر، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و نگرش جنسیتی این مسلمانان بیش از آنکه تابعی از تعلق دینی و مذهبی آنان باشد، تحت تأثیر خاستگاه و زادگاه اصلی آنان است. بدین ترتیب در جمع‌بندی تحقیقات انجام شده می‌توان گفت اگرچه طیف فزاینده‌ای از تحقیقات و مطالعات به‌ویژه در طی سال‌های اخیر در زمینه نگرش جنسیتی انجام شده است؛ اما یک خلأ تحقیقاتی بسیار مهم و آشکار در این زمینه این است که ملاحظات قومی و مذهبی در این تحقیقات به‌ویژه در کشور ما ناچیز و کم‌رنگ است و

به طور مشخص تحقیقات معطوف به تفاوت‌های قومی مذهبی در نگرش جنسیتی بسیار اندک است. به همین سبب و به ویژه به جهت گستردگی و تنوع قومی و مذهبی چشمگیر جامعه ما، لازم است طیف متنوع موضوعات مرتبط با نقش‌های جنسیتی با تأکید بر ملاحظات قومی و مذهبی در تحقیقات جدید مدنظر قرار گیرد. در همین راستا، تحقیق حاضر می‌کوشد در حد توان خود شواهد پژوهشی را برای تکمیل خلأ تحقیقاتی در این حوزه مطالعاتی فراهم کند.

مبانی تئوریک تحقیق

در مجموع تئوری‌های متنوع و متعدد در زمینه تبیین ملاحظات مذهبی مرتبط با نگرش جنسیتی را می‌توان در قالب سه دیدگاه اصلی زیر طبقه‌بندی و خلاصه کرد و تحقیق حاضر نیز مبتنی بر ترکیب و برابندی از این دیدگاه‌های سه‌گانه است: در دیدگاه تئوریک اول، تکیه و تأکید اصلی بر آموزه‌های مذهبی و باورهای فرهنگی دینی گروه‌های مذهبی است. برای نمونه لوکاس و میر (۱۳۸۱) معتقدند ایدئولوژی دینی برخی گروه‌های مذهبی به گونه‌ای است که نقش‌های جنسیتی در حوزه‌هایی همچون فرزندآوری زیاد محدود و تقویت می‌شود؛ مثلاً مطابق باورهای دینی برخی گروه‌های مذهبی، نقش‌های جنسیتی زنان در چارچوب درون‌خانه تعریف و محدود می‌شود، ازدواج در سنین پایین تشویق می‌شود، استفاده از وسایل کنترل موالید و سقط‌جنین را ناشایست و حرام می‌دانند یا اساساً داشتن فرزندان زیاد را یک ارزش می‌شمارند. بدین ترتیب این قبیل اعتقادات و آموزه‌های دینی این گروه‌های مذهبی سبب می‌شود شکل‌های خاصی از نقش‌های جنسیتی تقویت و بازتولید شوند. مطابق دیدگاه تئوریک دوم، تکیه و تأکید اساسی معطوف به وضعیت و موقعیت گروه‌های مذهبی به عنوان یک گروه اقلیت است. این دسته از نظریه‌پردازان معتقدند موقعیت گروه‌های مذهبی به عنوان یک گروه اقلیت به دو شکل می‌تواند رویکردهای جنسیتی آنان را تحت تأثیر قرار دهد: شکل اول ناظر بر امنیت نداشتن و در حاشیه بودن گروه‌های مذهبی به عنوان یک گروه اقلیت است. در شکل دوم نیز حفظ ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های مذهبی مورد توجه است؛ بدین معنا که این گروه‌های مذهبی می‌کوشند کماکان موقعیت خود را از طریق تداوم ارزش‌ها و هنجارهایی همچون نقش‌های جنسیتی سنتی و بُعد گسترده خانواده حفظ کنند. در همین چارچوب می‌توان به نظریه مک کویلان (۲۰۰۴) اشاره کرد که معتقد است تفاوت‌های مرتبط با رویکردهای

جنسیتی و الگوهای فرزندآوری برخی گروه‌های مذهبی را باید در چارچوب موقعیت آنان به عنوان یک گروه اقلیت تبیین کرد.

در دیدگاه تئوریک سوم نیز تکیه و تأکید اصلی بر ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی و اجتماعی گروه‌های مذهبی و قومی به منظور تبیین تفاوت‌های مرتبط با مواردی همچون نحوه نگرش به نقش‌های جنسیتی است. به عبارت دقیق‌تر، این دسته از نظریه‌پردازان بر این باورند که اساساً متغیرهایی همچون مذهب و قومیت به‌خودی‌خود نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کنند؛ بلکه آنچه بیش از همه باعث پیدایش الگوهای متفاوت در زمینه نگرش جنسیتی گروه‌های مذهبی و قومی می‌شود، ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی و اجتماعی آنهاست. در همین چارچوب می‌توان به نظریه کافمن و اسکایربک (۲۰۱۲) در تبیین نحوه نگرش به نقش‌های جنسیتی و الگوهای فرزندآوری در جوامع اسلامی اشاره کرد که مبتنی بر این ایده اصلی است که مذهب یک عنصر ثانوی قلمداد می‌شود و در عوض مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی و اجتماعی (بی‌سواد، روستانشینی، موانع دسترسی به وسایل کنترل مولید، مزایای فرزندان زیاد در اقتصاد کشاورزی سنتی)، نقش به مراتب مهم‌تری در تبیین این تفاوت‌های نگرشی و رفتاری در میان گروه‌های مذهبی ایفا می‌کنند. بنابراین با توجه به اینکه تحقیق حاضر معطوف به بررسی ملاحظات مذهبی مرتبط با نگرش جنسیتی است، از مدل نظری ترکیبی استفاده می‌شود که مبتنی بر این سه دیدگاه اصلی است. با این حال از آنجا که صبغه رویکرد اجتماعی در این تحقیق بالنسبه برجسته‌تر است، دیدگاه تئوریک سوم ناظر بر ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی و اجتماعی گروه‌های مذهبی از توجه و اهمیت بالنسبه بیشتری برخوردار است. بدین ترتیب در تحقیق حاضر تلاش می‌شود در چارچوب این مدل تئوریک ترکیبی با تأکید بر دیدگاه تئوریک سوم ناظر بر ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی و اجتماعی، مهم‌ترین الگوها و تمایزات مرتبط با نگرش‌های جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب مطالعه و بررسی شوند.

مبانی روش‌شناسی تحقیق

به لحاظ روش‌شناختی، در این تحقیق از روش‌های ترکیبی استفاده شده است؛ بدین معنا که نخست با استفاده از روش بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای، مهم‌ترین مباحث مرتبط با پیشینه و ادبیات تحقیق و مبانی تئوریک تحقیق بحث و بررسی می‌شوند. همچنین مباحث تجربی این مقاله نیز مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های یک پژوهش تجربی و بررسی پیمایشی است که زیر نظر

نویسنده این مقاله اجرا شده است.^۱ با توجه به تنوع و گستردگی جغرافیایی کشور ما و متناسب با بودجه و امکانات محدود پژوهشگران، مناطق کمابیش متعدد و گوناگون انتخاب شده‌اند که تا حدود قابل ملاحظه‌ای در بردارنده گستردگی جغرافیایی و تنوع‌های فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه از دیدگاه ترکیب‌های قومی و مذهبی بخش‌هایی از کشور ما هستند که بر اساس آنها می‌توان برخی از مهم‌ترین الگوهای مرتبط با موضوع تحقیق را فراتر از یک شهرستان و در سطحی نسبتاً گسترده‌تر بررسی کرد. بر همین اساس جمعیت نمونه این پژوهش پیمایشی در مجموع ۴۲۶۷ نفر از افراد ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم‌آباد، سقز، کامیاران، گنبد کاووس، محمودآباد و همدان هستند که تقریباً نیمی از آنان را زنان و نیم دیگر را نیز مردان شامل می‌شوند. حجم نمونه تحقیق با استفاده از روش کوکران ($n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2+t^2pq}$) تعیین شده و برای گزینش نمونه‌های تحقیق نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز پرسشنامه ساخت یافته بود. اعتبار پرسشنامه، اعتبار صوری است و برای دستیابی به پایایی موردقبول، با انجام پیش‌آزمون و میانگین آلفای کرونباخ حدود ۰/۷۹ همسازگی گویه‌های پرسشنامه تأمین شد. پس از گردآوری داده‌های موردنیاز این تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه، از نرم‌افزار SPSS و مجموعه‌ای از آماره‌های توصیفی و آزمون‌های تحلیل استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق استفاده شده است که نتایج این تجزیه و تحلیل‌های تحقیق در بخش بعدی بحث و بررسی می‌شوند.

افزون بر این، نگرش جنسیتی مهم‌ترین متغیر تابع یا وابسته در این تحقیق به شمار می‌رود. در این تحقیق برای سنجش این متغیر وابسته اصلی از مدل آگموند و همکاران^۲ (۲۰۱۰) استفاده کرده‌ایم که مبتنی بر طیفی از گویه‌ها و مؤلفه‌های متعدد برای سنجش نگرش جنسیتی مدنظر است. این گویه‌های جنسیتی عبارت‌اند از: «مرد به عنوان نان‌آور خانه و زن به عنوان خانه‌دار»، «مشارکت زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه»،

۱. در اینجا شایسته است از دانشجویان خودم در دوره کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران خانم‌ها ستایش ملک‌زاده، خدیجه صادقی، الهه‌سادات ایزی، نسیم بازگیری، شادی بایزیدی، سمیه نعیمی، سهیلا نیکبخش، زهرا شمس‌اللهی و آقای محمدرحیم داوودی در گردآوری داده‌های تحقیق تشکر و قدردانی کنم.

2. Egmond, m. et al; "A Stalled Revolution? Gender Role Attitudes in Australia".

«فرصت برابر مرد و زن برای ارتقای شغلی و مدیریتی»، «تأمین تسهیلات برای اشتغال زنان مانند مهد کودک و غیره»، «خوب و محترم بودن زن شاغل به اندازه زن غیرشاغل» و «اشتغال زنان در کارهای خارج خانه». در عین حال باید به این نکته مهم نیز توجه و تأکید شود که اگرچه در این تحقیق بر مؤلفه‌های کار خارج خانه و اشتغال زنان تأکید بیشتری شده است؛ اما مفهوم نگرش جنسیتی بسیار گسترده است و مؤلفه‌های متعددی را در بر می‌گیرد. متغیرهای مستقل این تحقیق نیز شامل دو دسته اصلی است: دسته اول متغیرهای پایه و جمعیت شناختی که مشتمل بر متغیرهایی همچون جنس (مردان و زنان)، محل سکونت (نقاط شهری و نقاط روستایی)، سطح تحصیلات و سن است. دسته دوم متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر نیز مؤلفه‌های دینی مذهبی هستند که در این تحقیق به چهار روش زیر سنجش و مطالعه شده‌اند. ابتدا برای اندازه‌گیری سطوح دین‌داری از روش متداول در «برنامه بین‌المللی پیمایش اجتماعی» (ISSP)^۱ و از سوی محققان برجسته معاصر (مانند ژاکوب و کالتر ۲۰۱۳، هون و وانتورگن ۲۰۱۴) استفاده شده است که در این روش، پاسخگویان ارزیابی شخصی خودشان در خصوص سطح دین‌داری خویش (بدین معنا که خودشان را به‌طور کلی تا چه حد مذهبی و دین‌دار ارزیابی می‌کنند) را در یک طیف پنج‌گانه (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم، اصلاً) در پرسشنامه تحقیق اظهار کرده‌اند. به منظور بررسی جامع‌تر و سنجش دقیق‌تر متغیرهای مستقل تحقیق، از سه روش دیگر نیز در تحقیق حاضر استفاده شده است. روش‌های دوم و سوم نیز ناظر بر حجاب و پوشش زنان در اماکن عمومی است؛ بدین معنا که ابتدا نگرش به نوع حجاب و پوشش زنان در اماکن عمومی (شامل چادر، مقنعه، روسری، موافقت نبودن با این انواع پوشش) و سپس نحوه نگرش به تصمیم‌گیری زنان در خصوص نوع حجاب و پوشش خودشان نیز در طیف چهارگانه (کاملاً موافق، موافق، مخالف، کاملاً مخالف) مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج و یافته‌های تحقیق

۱. الگوهای کلی نگرش جنسیتی دو گروه مذهبی

مطابق تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق می‌توان الگوهای کلی زیر را در زمینه نحوه نگرش

1. International Social Survey Programme.

جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب استنباط کرد: اول آنکه بر اساس اغلب گویه‌های مرتبط با نحوه نگرش جنسیتی، تفاوت چندان برجسته‌ای بین دو گروه مذهبی شیعی و سنی مشاهده نمی‌شود؛ به بیان دیگر نگرش جنسیتی این دو گروه مذهبی در اغلب این گویه‌های تحقیق کمابیش شبیه و همانند یکدیگر است. برای نمونه جمعیت شیعی و سنی مذهب به میزان مشابه و یکسان (نیمی از آنان) با گویه جنسیتی «مرد به عنوان نان‌آور خانوار و زن به عنوان خانه‌دار» موافق هستند. مثال دیگر اینکه در حدود یک‌سوم جمعیت شیعی مذهب و حدود یک‌سوم جمعیت سنی مذهب نیز دارای نگرش مثبت به گویه جنسیتی مبنی بر «فرصت برابر مردان و زنان برای ارتقای شغلی» هستند. دوم آنکه بیشترین و بالاترین میزان تفاوت بین دو گروه شیعی و سنی مذهب مربوط به نحوه نگرش آنان درباره اشتغال زنان در کارهای خارج خانه است. برای اینکه اگرچه اکثریت افراد در هر دو گروه مذهبی دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ اما بررسی تطبیقی نشان می‌دهد جمعیت شیعی مذهب بیش از جمعیت سنی مذهب به اشتغال زنان نگرش مثبت دارند. نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری مبتنی بر آزمون کای اسکوئر (۴۰/۴۸) و ضرایب وی کرامرز (۰/۰۵۶) با سطح معناداری (۰/۰۰) نیز معناداری آماری این تفاوت بین دو گروه مذهبی شیعی و سنی مذهب در زمینه نحوه نگرش به اشتغال زنان را تأیید می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، تجزیه و تحلیل‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد نزدیک به سه چهارم جمعیت شیعی مذهب و دوسوم جمعیت سنی مذهب نگرش مثبت به اشتغال زنان دارند.

سوم آنکه بررسی نحوه نگرش جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب به تفکیک متغیر جنس نشان می‌دهد این متغیر (متغیر جنس) دارای تأثیرات به مراتب مهم‌تری بر نحوه نگرش جنسیتی است؛ بدین معنا که هم در جمعیت سنی مذهب و هم در جمعیت شیعی مذهب، زنان به مراتب بیش از مردان هم‌مذهبی خویش نگرش مثبت به تمامی گویه‌های جنسیتی تحقیق دارند. چهارم آنکه تفاوت جنسیتی یادشده اگرچه در همه گویه‌های هفت‌گانه تحقیق وجود دارد؛ اما بالاترین میزان آن تفاوت را می‌توان در نحوه نگرش به اشتغال زنان مشاهده کرد. ضمن آنکه تجزیه و تحلیل‌های آماری مبتنی بر آزمون کای اسکوئر (۱۸۶/۹) و ضرایب وی کرامرز (۰/۲۰۹) با سطح معناداری (۰/۰۰) نیز تأیید می‌کند نحوه نگرش جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب به اشتغال زنان به طور معناداری تحت تأثیر متغیر جنس است؛ به طوری که زنان بیش از مردان دارای نگرش مثبت به این

مؤلفه جنسیتی هستند؛ برای نمونه کمتر از یک سوم مردان سنی مذهب با اشتغال زنان موافق اند؛ در حالی که این نسبت در جمعیت زنان سنی مذهب به مراتب بیشتر، یعنی سه چهارم است. در جمعیت شیعی مذهب نیز زنان به مراتب بیش از مردان دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند (به ترتیب، ۸۰ درصد و ۶۵ درصد)؛ به بیان دقیق تر، میزان نگرش مثبت زنان شیعی و سنی مذهب به اشتغال زنان در حدود یک پنجم بیشتر از میزان آن بین مردان هم مذهبیان است. پنجم آنکه در دو گویه دیگر این تحقیق نیز تفاوت جنسیتی فوق الذکر چشمگیر است: مشارکت برابر همسران در کارهای خانگی، فرصت برابر زنان و مردان برای ارتقای شغلی؛ برای نمونه قاطبه زنان (بیش از چهار پنجم آنان) اعم از سنی و شیعی مذهب موافق همکاری و مشارکت برابر زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه و نگهداری از فرزندان هستند؛ اما این نسبت در جمعیت مردان - اعم از شیعی و سنی مذهب - به مراتب کمتر (حدود دو سوم) است. در واقع در مقایسه با گویه های دیگر این تحقیق باید گفت بالاترین سطح نگرش مثبت مربوط به همین گویه، یعنی همکاری و مشارکت برابر زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه و نگهداری از فرزندان است؛ به طوری که ۸۵ درصد زنان شیعی و سنی مذهب با آن موافق هستند؛ در حالی که این نسبت در جمعیت مردان - اعم از شیعی و سنی مذهب - به مراتب کمتر، یعنی حدود ۷۰ درصد است. مثال دیگر مربوط به گویه «فرصت برابر زنان و مردان برای ارتقای شغلی» است: سه چهارم زنان شیعی و سنی مذهب دارای نگرش مثبت به این گویه جنسیتی هستند؛ در حالی که این نسبت در جمعیت مردان شیعی و سنی مذهب کمتر از یک سوم است. بدین ترتیب می توان این نکته به مراتب مهم تر را استنتاج و استنباط کرد که نحوه نگرش به این دو مؤلفه و گویه جنسیتی («مشارکت برابر همسران در کارهای خانگی» و «فرصت برابر زنان و مردان برای ارتقای شغلی») بیش از آنکه تحت تأثیر و ناشی از مذهب و تعلق مذهبی (شیعی و سنی بودن) باشد، تحت تأثیر متغیر جنس است؛ بدین معنا که زنان شیعی و سنی مذهب به میزان یکسان و مشابه همدیگر دارای نگرش قوی تر و مثبت تری به این مؤلفه ها و گویه های جنسیتی هستند؛ همان طوری که مردان شیعی و سنی مذهب نیز به میزان یکسان و مشابه همدیگر دارای سطح پایین تر و ضعیف تر نگرش به این مؤلفه ها و گویه های جنسیتی هستند.

جدول شماره ۱: نگرش مثبت به گویه‌های جنسیتی به تفکیک گروه‌های مذهبی و جنس (درصد)

کل	سنی مذهب			شیعی مذهب			گویه‌های جنسیتی
	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	
۵۵/۰	۵۴/۰	۵۳/۵	۵۴/۵	۵۵/۴	۵۲/۳	۵۶/۶	مرد به عنوان نان‌آور خانه و زن به عنوان خانه‌دار
۷۶/۳	۷۷/۶	۸۴/۴	۷۰/۶	۷۶/۳	۸۴/۱	۶۸/۹	مشارکت زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه
۶۷/۱	۶۶/۵	۷۴/۷	۵۸/۲	۶۶/۹	۷۴/۵	۵۹/۷	فرصت برابر مرد و زن برای ارتقای شغلی و مدیریتی
۸۰/۹	۷۸/۷	۸۲/۸	۷۴/۵	۸۱/۹	۸۳/۲	۸۰/۲	تأمین تسهیلات برای اشتغال زنان مانند مهد کودک
۷۸/۸	۷۴/۳	۷۶/۷	۷۰/۹	۸۱/۹	۸۳/۸	۷۹/۹	خوب و محترم بودن زن شاغل به اندازه زن غیرشاغل
۷۰/۶	۶۴/۷	۷۳/۵	۵۵/۹	۷۲/۲	۸۰/۲	۶۴/۶	اشتغال زنان در کارهای خارج خانه
۴۲۶۷	۸۷۳	۴۳۵	۴۳۵	۳۳۳۷	۱۶۳۵	۱۷۰۲	تعداد فراوانی

توضیح: در این جدول، شش گویه جنسیتی ارائه شده است و نحوه نگرش مردان و زنان شیعی و سنی مذهب به هر یک از آنها را نشان می‌دهد؛ برای نمونه عدد نخست، یعنی ۵۶/۶ درصد نشان می‌دهد نزدیک به ۵۷ درصد مردان شیعی مذهب دارای نگرش مثبت و موافق به گویه جنسیتی مربوطه، یعنی «مرد به عنوان نان‌آور خانوار و زن به عنوان خانه‌دار» هستند و مابقی آنان، یعنی ۴۳/۴ درصد باقیمانده آنها نگرش منفی و مخالف به این گویه جنسیتی دارند.

۲. نگرش جنسیتی گروه‌های مذهبی بر حسب نقاط شهری و روستایی

آیا نگرش جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب تابعی از محل سکونت آنهاست؟ نتایج تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان می‌دهد نحوه نگرش نسبت به اغلب گویه‌های جنسیتی در میان روستاییان و شهرنشینان کمابیش یکسان و مشابه است و محل سکونت تأثیر چندانی

تعیین کننده‌ای در این خصوص ندارد. این الگو، هم در جمعیت شیعی مذهب و هم در جمعیت سنی مذهب مشاهده می‌شود؛ برای نمونه هم در جمعیت شیعی مذهب و هم در جمعیت سنی مذهب، در حدود سه چهارم روستاییان و تقریباً سه چهارم شهرنشینان دارای نگرش مثبت به گویه جنسیتی «همکاری و مشارکت همسران در انجام کارهای داخل خانه» هستند. نمونه دیگر اینکه در حدود دوسوم شهرنشینان شیعی و سنی مذهب و در حدود دوسوم روستاییان شیعی و سنی مذهب نگرش مثبت به گویه جنسیتی «فرصت برابر و یکسان مردان و زنان برای ارتقای شغلی و مدیریتی» دارند. باین همه تنها در یک گویه جنسیتی می‌توان نقش تعیین کننده محل سکونت را مشاهده کرد؛ به طوری که نحوه نگرش به آن گویه جنسیتی بین روستاییان و شهرنشینان - هم در جمعیت سنی مذهب و هم در جمعیت شیعی مذهب - بسیار برجسته و قابل ملاحظه است: نحوه نگرش به اشتغال زنان در کار خارج خانه. مطابق نتایج تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق می‌توان گفت شهرنشینان بیش از روستاییان نگرش مثبت به اشتغال زنان دارند. این الگو، هم در جمعیت سنی مذهب و هم در جمعیت شیعی مذهب صدق می‌کند. نتایج آزمون کای اسکوتر (۴۹/۵۵) و ضرایب وی کرامرز (۰/۱۰۸) با سطح معناداری (۰/۰۰) نیز بر وجود رابطه معنادار آماری میان نحوه نگرش دو گروه شیعی و سنی مذهب درباره اشتغال زنان و محل سکونت آنها صحت می‌گذارد. باین همه، هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی، میزان نگرش مثبت به اشتغال زنان کماکان در جمعیت شیعی مذهب بیشتر و برجسته‌تر از جمعیت سنی مذهب است. بدین ترتیب کمترین میزان نگرش مثبت به اشتغال زنان در میان روستاییان سنی مذهب مشاهده می‌شود؛ به طوری که تنها حدود نیمی از آنان به اشتغال زنان نگرش مثبت دارند؛ در حالی که بیشترین میزان آن مربوط به شهرنشینان شیعی مذهب است: سه چهارم آنان به اشتغال زنان نگرش مثبت دارند. افزون بر این در یکی دیگر از مؤلفه‌های جنسیتی این تحقیق، یعنی «مرد به عنوان نان‌آور خانواده و زن به عنوان خانه‌دار» نیز متغیر محل سکونت نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند. البته این تأثیرگذاری فقط در جمعیت سنی مذهب ملاحظه می‌شود: حدود دوسوم روستاییان سنی مذهب با این الگوی سنتی نقش‌های جنسیتی، یعنی «مرد به عنوان نان‌آور خانواده و زن به عنوان خانه‌دار» موافق‌اند؛ در حالی که این نسبت در میان شهرنشینان سنی مذهب به مراتب کمتر است؛ به طوری که تنها نیمی از آنان دارای نگرش مثبت به این گویه جنسیتی هستند. درعین حال نقش متغیر محل سکونت بر این مؤلفه

جنسیتی تحقیق، یعنی «مرد به عنوان نان آور خانواده و زن به عنوان خانه دار» در جمعیت شیعی مذهب چندان برجسته و چشمگیر نیست؛ بدین معنا که روستاییان و شهرنشینان شیعی مذهب کمابیش به میزان مشابه و یکسان، یعنی تقریباً حدود دوسوم آنان دارای نگرش مثبت به این گویه جنسیتی هستند. بدین ترتیب در اغلب گویه‌های جنسیتی این تحقیق (به استثنای گویه مربوط به اشتغال زنان در کار خارج خانه)، در واقع نوعی هم‌گرایی و همگونی بین نقاط شهری و روستایی از نقطه نظر نحوه نگرش جنسیتی در هر دو گروه شیعی و سنی مذهب وجود دارد.

جدول شماره ۲: نگرش مثبت به گویه‌های جنسیتی به تفکیک گروه‌های مذهبی و محل سکونت (درصد)

سنی مذهب		شیعی مذهب		گویه‌ها جنسیتی
نقاط روستایی	نقاط شهری	نقاط روستایی	نقاط شهری	
۶۳/۹	۴۹/۹	۶۲/۲	۶۰/۵	مرد به عنوان نان آور خانه و زن به عنوان خانه دار
۷۷/۶	۷۷/۶	۷۵/۰	۷۷/۱	مشارکت زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه
۶۵/۹	۶۶/۷	۶۲/۲	۶۹/۵	فرصت برابر مرد و زن برای ارتقای شغلی و مدیریتی
۷۶/۵	۷۹/۶	۸۲/۶	۸۴/۸	تأمین تسهیلات برای اشتغال زنان مانند مهد کودک
۷۰/۶	۷۶/۰	۸۰/۰	۸۴/۵	خوب و محترم بودن زن شاغل به اندازه زن غیرشاغل
۵۵/۵	۶۸/۶	۶۶/۷	۷۵/۴	اشتغال زنان در کارهای خارج خانه
۲۵۵	۶۱۸	۱۲۱۸	۲۱۱۹	تعداد فراوانی

توضیح: این جدول نحوه نگرش افراد شیعی و سنی مذهب ساکن در نقاط شهری و روستایی را به هریک از شش گویه جنسیتی نشان می‌دهد؛ برای نمونه عدد نخست، یعنی ۶۰/۵ درصد نشان می‌دهد در حدود ۶۰ درصد افراد شیعی مذهب ساکن در نقاط شهری به گویه جنسیتی مربوطه، یعنی «مرد به عنوان نان آور خانوار و زن به عنوان خانه دار» نگرش مثبت و موافق دارند و مابقی آنان، یعنی ۳۹/۵ درصد یا نزدیک به ۴۰ درصد باقیمانده آنها نگرش منفی و مخالف به این گویه جنسیتی دارند.

۳. تمایزات شیعی - سنی نگرش جنسیتی بر اساس سایر متغیرهای پایه

افزون بر متغیرهای فوق‌الذکر مشتمل بر جنس و محل سکونت، در این بخش به نقش و

تأثیرات دیگر متغیرهای پایه، مانند وضعیت تأهل و سطح تحصیلات و سن بر نگرش جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب می‌پردازیم. همچنان که در بخش پیش نیز اشاره شد، در میان گویه‌ها و مؤلفه‌های هشت گانه نگرش جنسیتی، بیشترین سطح تفاوت بین دو گروه شیعی و سنی مذهب مربوط به نگرش آنان به اشتغال زنان است. به همین سبب، تجزیه و تحلیل‌های این بخش بیشتر معطوف به همین مؤلفه و گویه نگرش جنسیتی، یعنی نحوه نگرش به اشتغال زنان است. افزون بر این، تجزیه و تحلیل‌های بخش قبلی این تحقیق نشان داد یکی از بیشترین و برجسته‌ترین تفاوت‌های جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب مربوط به نحوه نگرش آنان به گویه و مؤلفه جنسیتی «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» است و به همین سبب، این مؤلفه جنسیتی نیز در تجزیه و تحلیل‌های این بخش کانون توجه قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان می‌دهد وضعیت تأهل نیز تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر نگرش جنسیتی دارد؛ به طوری که در هر یک از دو گروه سنی و شیعی مذهب، مجردان به مراتب بیش از متأهلان نگرش مثبت به اشتغال زنان دارند؛ برای نمونه حدود دوسوم متأهلان اعم از شیعی و سنی مذهب دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ در حالی که این نسبت در جمعیت مجردان شیعی و سنی مذهب تا حدودی بیشتر، یعنی بیش از سه چهارم است. با این توصیف به نظر می‌رسد نحوه نگرش به این مؤلفه جنسیتی، یعنی اشتغال زنان بیش از آنکه متأثر از متغیر مذهب (شیعی مذهب یا سنی مذهب) باشد، بیشتر تحت تأثیر متغیر وضعیت تأهل آنهاست؛ زیرا متأهلان شیعی و سنی مذهب دارای نگرش کمابیش مشابه به اشتغال زنان هستند؛ همان‌گونه که نحوه نگرش مجردان شیعی و سنی مذهب کمابیش همانند یکدیگر است. این الگوها در مؤلفه دیگر نگرش جنسیتی، یعنی «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» نیز مشاهده می‌شود؛ بدین معنا که در هر یک از دو گروه سنی و شیعی مذهب، مجردان به مراتب بیش از متأهلان به «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» نگرش مثبت دارند. نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری مبتنی بر آزمون کای اسکوئر (۵۹/۲۸۲ و ۱۲۱/۱۳۷) و ضرایب وی کرامرز (۰/۰۵۹ و ۰/۰۸۴) با سطح معناداری (۰/۰۰ و ۰/۰۰) نیز تأیید می‌کند نحوه نگرش گروه‌های شیعی و سنی مذهب به این دو گویه جنسیتی، یعنی «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» و «اشتغال زنان در کار خارج خانه» به طور معناداری تحت تأثیر وضعیت تأهل آنهاست؛

به طوری که مجردان بیش از متأهلان به این دو مؤلفه جنسیتی نگرش مثبت دارند. افزون بر این، تجزیه و تحلیل های این تحقیق نشان می دهد سطح تحصیلات نیز تأثیرات تعیین کننده ای بر نگرش جنسیتی هردو جمعیت شیعی و سنی مذهب دارد. به طور کلی می توان گفت هم زمان با افزایش سطح تحصیلات، میزان نگرش مثبت به اشتغال زنان نیز روند صعودی طی می کند. این الگو، هم در جمعیت سنی مذهب و هم در جمعیت شیعی مذهب مشاهده می شود؛ برای نمونه هم در جمعیت سنی مذهب و هم در جمعیت شیعی مذهب بی سوادان دارای پایین ترین سطح نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ ولی این تمایل در سطوح بالاتر تحصیلات رو به افزایش نهاده و در نهایت در میان افراد دارای تحصیلات عالی دانشگاهی به بالاترین حد می رسد؛ به طوری که بیش از چهارپنجم آنان به اشتغال زنان نگرش مثبت دارند. به بیان دقیق تر میزان نگرش مثبت به اشتغال زنان در میان تحصیل کردگان دانشگاهی نزدیک به دوبرابر میزان آن بین بی سوادان اعم از شیعی و سنی مذهب است. باین همه یک نکته مهم در اینجا این است که افزایش سطح تحصیلات سبب ایجاد نوعی هم گرایی بین دو جمعیت شیعی و سنی مذهب از نقطه نظر نحوه نگرش جنسیتی آنان می شود؛ به طوری که تحصیل کردگان دانشگاهی شیعی و سنی مذهب به طور کمابیش برابر و یکسان دارای بالاترین میزان نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند. این الگوها بر مؤلفه دیگر نگرش جنسیتی، یعنی «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» نیز صدق می کند؛ به طوری که در هر یک از دو گروه سنی و شیعی مذهب، پایین ترین سطح نگرش مثبت به این مؤلفه جنسیتی متعلق به بی سوادان و کم سوادان است؛ اما به موازات افزایش سطح تحصیلات، میزان نگرش مثبت به «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» نیز سیر صعودی طی می کند و در نهایت در بالاترین سطح تحصیلات به ایجاد نوعی هم گرایی بین دو جمعیت شیعی و سنی مذهب می انجامد؛ بدین معنا که تحصیل کردگان دانشگاهی شیعی و سنی مذهب به طور کمابیش برابر و یکسان از بالاترین میزان نگرش مثبت به «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» (بیش از چهارپنجم) برخوردار می شوند. ضمن آنکه یافته های آماری مبتنی بر آزمون کای اسکوتر (۹۶/۱۹۷ و ۲۹۹/۰۸) و ضرایب وی کرامر (۰/۰۷۵ و ۰/۱۳۲) با سطح معناداری (۰/۰۰ و ۰/۰۰) نیز بیانگر این است که رابطه آماری معناداری میان سطح تحصیلات و نحوه نگرش گروه های شیعی و سنی مذهب به این دو گویه جنسیتی، یعنی «مشارکت همسران در انجام کارهای

خانگی» و «اشتغال زنان در کار خارج خانه» وجود دارد.

بر پایه داده‌های این تحقیق می‌توان گفت نحوه نگرش جنسیتی جمعیت سنی و شیعی مذهب به طور چشمگیری تحت تأثیر متغیر سن است؛ بدین معنا که در مجموع به موازات افزایش سن، میزان نگرش مثبت آنها به گویه‌های جنسیتی رو به کاهش می‌گذارد؛ به بیان دقیق‌تر نسل‌های مسن‌تر و قدیمی‌تر نگرش‌های جنسیتی سنتی‌تر دارند؛ درحالی‌که این نگرش سنتی به نقش‌های جنسیتی در نسل‌های جوان و جدید به مراتب کمتر و ضعیف‌تر است. این الگو، هم در جمعیت سنی مذهب و هم در جمعیت شیعی مذهب وجود دارد؛ مثلاً در جمعیت شیعی مذهب، بیش از سه چهارم جوانان ۱۵-۲۹ ساله دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ درحالی‌که این نسبت در سنین بالاتر رو به کاهش می‌گذارد و در نهایت در میان بزرگسالان بالای ۵۰ ساله به کمترین میزان فرو می‌کاهد؛ به‌طوری‌که تنها حدود نیمی از آنان به اشتغال زنان نگرش مثبت دارند. در جمعیت سنی مذهب نیز این روند مشاهده می‌شود: بیش از دو سوم جوانان ۱۵-۲۹ ساله به اشتغال زنان نگرش مثبت دارند؛ اما این نسبت به موازات افزایش سن کاهش می‌یابد؛ به‌طوری‌که در نهایت کمتر از نیمی از بزرگسالان بالای ۵۰ ساله دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند. باین‌همه بررسی تطبیقی این الگو در میان دو گروه مذهبی به تفکیک سن، بیانگر این واقعیت است که تقریباً در تمامی سنین، جمعیت شیعی مذهب بیش از جمعیت سنی مذهب به اشتغال زنان نگرش مثبت دارند؛ برای نمونه بیش از سه چهارم جوانان ۱۵-۲۹ ساله شیعی مذهب دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ درحالی‌که این نسبت برای جوانان ۱۵-۲۹ ساله سنی مذهب در حدود دو سوم است. افزون بر این، این الگوها را می‌توان در مؤلفه دیگر نگرش جنسیتی، یعنی «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» نیز مشاهده کرد؛ بدین معنا که در هر یک از دو گروه سنی و شیعی مذهب، بیشترین سطح نگرش مثبت به این مؤلفه جنسیتی، از آن جوانان است؛ ولی هم‌زمان با افزایش سن، میزان نگرش مثبت به «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» نیز سیر نزولی می‌یابد؛ برای نمونه هم در جمعیت سنی مذهب و هم در جمعیت شیعی مذهب، بیش از سه چهارم جوانان ۱۵-۲۹ ساله دارای نگرش مثبت به «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» هستند؛ ولی این نسبت در میان بزرگسالان بالای ۵۰ ساله به کمترین میزان فرو می‌کاهد؛ به‌طوری‌که کمتر از دو سوم آنان به «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» نگرش مثبت دارند. همچنین

نتایج آزمون کای اسکوتر (۱۳۵/۳۰ و ۱۷۲/۱۷) و ضرایب وی کرامرز (۰/۰۸۹ و ۰/۱۰۰) با سطح معناداری (۰/۰۰ و ۰/۰۰) نیز تأییدکننده معناداری آماری وجود رابطه میان متغیر سن و نحوه نگرش گروه‌های شیعی و سنی مذهب به این دو گویه جنسیتی، یعنی «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» و «اشتغال زنان در کار خارج خانه» است؛ به طوری که نسل‌های جوان و جدید بیش از بزرگسالان نگرش مثبت به این دو گویه جنسیتی دارند. در نتیجه این الگوها به خوبی منعکس کننده شکاف و تفاوت‌های نسلی چشمگیر در زمینه نحوه نگرش جنسیتی است که مطابق تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق، هم در جمعیت شیعی مذهب و هم در جمعیت سنی مذهب ملاحظه می‌شود.

جدول شماره ۳: نگرش مثبت به گویه‌های جنسیتی به تفکیک گروه‌های مذهبی و متغیرهای منتخب (درصد)

متغیرها	مشارکت همسران در کار داخل خانه		اشتغال زنان در کار خارج خانه	
	شیعی مذهب	سنی مذهب	شیعی مذهب	سنی مذهب
وضعیت تأهل				
مجرد	۸۱/۳	۸۳/۷	۷۹/۳	۷۳/۹
متأهل	۷۵/۳	۷۶/۷	۶۷/۳	۶۱/۷
سطح تحصیلات				
بی سواد	۶۰/۱	۶۷/۴	۴۵/۴	۴۵/۱
ابتدایی	۶۶/۴	۷۵/۹	۵۷/۰	۵۳/۱
راهنمایی	۷۴/۱	۷۶/۷	۶۲/۵	۵۳/۴
دبیرستان	۷۴/۹	۷۷/۱	۷۲/۳	۶۷/۰
فوق دیپلم	۷۹/۷	۷۷/۳	۷۴/۹	۶۹/۹
لیسانس و بالاتر	۸۳/۶	۸۴/۸	۸۵/۲	۸۲/۱
گروه سنی				
۱۹-۱۵ ساله	۸۵/۴	۸۱/۱	۷۸/۸	۶۴/۴
۲۰-۲۴ ساله	۷۷/۳	۸۴/۸	۷۶/۹	۷۳/۸

۷۰/۲	۷۹/۹	۸۲/۲	۸۱/۲	ساله ۲۹-۲۵
۶۵/۱	۷۴/۲	۸۰/۱	۷۶/۸	ساله ۳۴-۳۰
۵۹/۲	۷۱/۵	۷۱/۴	۷۱/۴	ساله ۳۹-۳۵
۵۲/۰	۶۵/۰	۷۱/۳	۷۰/۷	ساله ۴۴-۴۰
۵۵/۷	۶۷/۷	۷۸/۸	۶۴/۸	ساله ۴۹-۴۵
۴۶/۸	۵۴/۳	۶۱/۳	۵۶/.	ساله ۵۰ به بالا
				میزان دین‌داری
۵۳/۹	۶۲/۳	۷۷/۴	۷۳/۶	خیلی زیاد
۶۳/۱	۷۲/۷	۸۱/۳	۷۸/۵	زیاد
۷۰/۳	۷۴/۹	۷۴/۷	۷۶/۹	کم
۴۲/۱	۶۷/۳	۶۵/۸	۶۹/۶	خیلی کم
۶۸/۷	۷۰/۸	۶۸/۸	۷۰/۸	اصلاً
				نوع حجاب و پوشش زنان
۵۸/۴	۵۹/۸	۷۸/۹	۷۱/۶	پوشش چادر
۶۰/۵	۷۴/۱	۸۵/۰	۷۴/۶	پوشش مقنعه
۷۵/۶	۸۴/۷	۸۶/۹	۷۸/۷	پوشش روسری
۷۶/۱	۸۷/۳	۸۷/۷	۸۹/۲	موافق نبودن
				تصمیم‌گیری زنان درباره حجاب
۸۱/۹	۸۵/۱	۹۲/۶	۹۰/۸	کاملاً موافق
۷۰/۷	۷۸/۴	۷۹/۶	۷۹/۳	موافق
۴۴/۶	۶۱/۵	۶۴/۷	۶۹/۰	مخالف
۴۳/۹	۴۶/۶	۶۰/۶	۵۲/۴	کاملاً مخالف
۸۷۳	۳۳۳۷	۸۷۳	۳۳۳۷	جمع فراوانی

توضیح: این جدول نحوه نگرش افراد شیعی و سنی مذهب را به دو گویه جنسیتی و به تفکیک چند متغیر مستقل پایه، مانند وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و... نشان می‌دهد؛

برای نمونه عدد نخست، یعنی ۸۱/۳ درصد نشان می‌دهد در حدود ۸۱ درصد مجردان شیعی مذهب دارای نگرش مثبت و موافق به گویه جنسیتی مربوطه، یعنی «مشارکت همسران در کارهای داخل خانه» هستند و مابقی آنان (۱۸/۷ درصد) نگرش منفی و مخالف به این گویه جنسیتی دارند.

۴. تمایزات شیعی - سنی نگرش جنسیتی به تفکیک مؤلفه‌های دین و

دین‌داری

آیا نگرش جنسیتی دو گروه مذهبی شیعی و سنی تحت تأثیر متغیرها و مؤلفه‌های مرتبط با دین و دین‌داری است؟ نتایج تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان می‌دهد به‌طور کلی نگرش جنسیتی این دو گروه مذهبی به‌طور چشمگیری تابع میزان دین‌داری آنهاست؛ بدین معنا که هم در جمعیت سنی مذهب و هم در جمعیت شیعی مذهب، هرچه از شدت و قوت دین‌داری کاسته می‌شود، میزان نگرش مثبت به گویه‌های جنسیتی رو به افزایش می‌گذارد؛ برای نمونه پایین‌ترین سطح نگرش جنسیتی متعلق به کسانی است که به پوشیده‌ترین نوع حجاب، یعنی چادر معتقدند. برعکس، هرچه نگرش افراد به سوی انواع ملایم‌تر حجاب و پوشش زنان، مانند مقنعه و روسری سوق می‌یابد، نگرش مثبت آنان به گویه‌های جنسیتی رو به افزایش می‌گذارد. این الگو و روند، هم بر جمعیت شیعی مذهب و هم بر جمعیت سنی مذهب صدق می‌کند؛ با این حال این الگو و روند در جمعیت شیعی مذهب به مراتب برجسته‌تر و نمایان‌تر به نظر می‌رسد: تنها کمتر از نیمی از معتقدان به پوشیده‌ترین نوع حجاب، یعنی چادر دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ ولی این نسبت در میان معتقدان به انواع ملایم‌تر حجاب و پوشش زنان مانند «مقنعه» و «روسری» به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد؛ به‌طوری‌که بیش از چهارپنجم معتقدان به ملایم‌ترین نوع پوشش، مانند روسری دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند. ضمن آنکه بالاترین میزان نگرش مثبت به اشتغال زنان نیز به کسانی مربوط می‌شود که اساساً با این انواع پوشش موافق نیستند؛ به‌طوری‌که نزدیک به ۹۰ درصد آنان دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند. در جمعیت سنی مذهب نیز پایین‌ترین میزان نگرش مثبت به اشتغال زنان در میان کسانی مشاهده می‌شود که به پوشیده‌ترین نوع حجاب، یعنی چادر معتقدند؛ به‌طوری‌که کمتر از نیمی از آنان دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ ولی این نسبت در میان کسانی که به انواع ملایم‌تر حجاب اعتقاد دارند، رو به افزایش می‌گذارد؛ به‌طوری‌که بیش از سه‌چهارم معتقدان به ملایم‌ترین نوع حجاب، مانند روسری به اشتغال زنان نگرش مثبت دارند. ضمن آنکه نتایج

تجزیه و تحلیل‌های آماری مبتنی بر آزمون کای اسکوئر (۳۲۹/۰۷) و ضرایب وی کرامرز (۰/۱۳۹) با سطح معناداری (۰/۰۰) نیز مؤید معنادار بودن آماری وجود رابطه بین این متغیر و نحوه نگرش گروه‌های شیعی و سنی مذهب به این گویه جنسیتی، یعنی «اشتغال زنان در کار خارج خانه» است؛ به طوری که هرچه تمایل به سوی انواع ملایم‌تر حجاب سوق می‌یابد، نگرش مثبت به این گویه جنسیتی نیز رو به افزایش می‌گذارد.

افزون بر این، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد نحوه نگرش دو گروه شیعی و سنی مذهب درباره تصمیم‌گیری زنان درباره نوع حجاب و پوشش خودشان دارای نقش تعیین‌کننده‌ای بر نحوه نگرش جنسیتی آنهاست. مطابق داده‌های این تحقیق، هرچه نگرش افراد به چنین تصمیم‌گیری مثبت‌تر و قوی‌تر باشد، میزان نگرش مثبت آنان به مؤلفه‌های جنسیتی کاهش می‌یابد. برعکس بیشترین میزان نگرش مثبت به مؤلفه‌های جنسیتی در میان کسانی مشاهده می‌شود که با چنین تصمیم‌گیری‌ای کاملاً مخالف‌اند. این الگو، هم در جمعیت شیعی مذهب و هم در جمعیت سنی مذهب وجود دارد؛ برای نمونه کمتر از نیمی از جمعیت سنی مذهب و شیعی مذهب که با تصمیم‌گیری زنان درباره نوع حجاب و پوشش خودشان کاملاً مخالف‌اند، دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ در حالی که این نسبت در میان کسانی که با چنین تصمیم‌گیری‌ای کاملاً موافق‌اند، به مراتب بیشتر (بیش از چهارپنجم) است. به بیان دقیق‌تر، هم در جمعیت شیعی مذهب و هم در جمعیت سنی مذهب، میزان نگرش مثبت به اشتغال زنان در میان کسانی که با چنین تصمیم‌گیری‌ای کاملاً موافق‌اند، تقریباً بیش از دو برابر میزان آن در میان کسانی است که کاملاً مخالف چنین تصمیم‌گیری‌ای هستند. همچنین این الگوها بر مؤلفه دیگر نگرش جنسیتی، یعنی «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» نیز صدق می‌کند؛ بدین معنا که در هر یک از دو گروه سنی و شیعی مذهب، هرچه بر قوت و شدت نگرش افراد به تصمیم‌گیری زنان درباره نوع حجاب و پوشش خودشان افزوده می‌شود، میزان نگرش مثبت آنان به «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» کاهش می‌یابد؛ به طوری که پایین‌ترین میزان مثبت نگرش به این مؤلفه جنسیتی متعلق به کسانی است که با چنین تصمیم‌گیری‌ای کاملاً مخالف‌اند. برعکس هرچه رویکرد مساعدتری به چنین تصمیم‌گیری ارائه می‌شود، میزان نگرش مثبت به این گویه جنسیتی نیز رو به افزایش می‌گذارد. ضمن آنکه مطابق نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری مبتنی بر آزمون کای اسکوئر (۶۸۰/۶۶ و ۷۱۲/۴۵) و ضرایب وی کرامرز (۰/۲۰۰ و

۰/۲۰۴) با سطح معناداری (۰/۰۰ و ۰/۰۰) نیز می‌توان گفت رابطه آماری معناداری بین نحوه نگرش گروه‌های شیعی و سنی مذهب به این دو گویه جنسیتی («مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» و «اشتغال زنان در کار خارج خانه») و رویکرد آنان درباره تصمیم‌گیری زنان درباره نوع حجاب و پوشش خودشان وجود دارد؛ برای نمونه در جمعیت شیعی مذهب، تنها حدود نیمی از افرادی که کاملاً مخالف تصمیم‌گیری زنان درباره نوع حجاب و پوشش خودشان هستند، به «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» نگرش مثبت دارند؛ در حالی که این نسبت در میان افرادی که کاملاً موافق چنین تصمیم‌گیری‌ای هستند، به طور چشمگیری افزایش یافته؛ به طوری که میزان نگرش مثبت آنها به این گویه جنسیتی نزدیک به دو برابر میزان آن بین افرادی است که کاملاً مخالف چنین تصمیم‌گیری‌ای هستند. در جمعیت سنی مذهب نیز این الگو ملاحظه می‌شود: از یک سو کمتر از دوسوم کسانی که کاملاً مخالف تصمیم‌گیری زنان درباره نوع حجاب و پوشش خودشان هستند، دارای نگرش مثبت به «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» هستند. از سوی دیگر این نسبت بین کسانی که کاملاً موافق چنین تصمیم‌گیری‌ای هستند، به طور چشمگیری افزایش می‌یابد؛ به طوری که تقریباً تمامی آنها دارای نگرش مثبت به این گویه جنسیتی، یعنی «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» هستند.

جدول شماره ۴: نتایج تجزیه و تحلیل‌های مرتبط با تعیین‌کننده‌های نگرش جنسیتی گروه‌های شیعی و

سنی مذهب

اشغال زنان در کار خارج خانه				مشارکت همسران در انجام کارهای داخل خانه				متغیر مستقل
Sig	df	Cramer's V	Chi-Square	Sig	df	Cramer's V	Chi-Square	
۰/۰۰	۱۲	۰/۰۵۶	۴۰/۴۸	۰/۰۰	۱۲	۰/۰۵۵	۳۸/۰۷	مذهب
۰/۰۰	۴	۰/۲۰۹	۱۸۶/۹	۰/۰۰	۴	۰/۲۱۶	۱۹۸/۸۴	جنسیت
۰/۰۰	۴	۰/۱۰۸	۴۹/۵۵	۰/۲۳	۴	۰/۰۵۲	۱۱/۳۴۹	محل سکونت
۰/۰۰	۴۰	۱۰۰/۰	۱۷۲/۱۷	۰/۰۰	۴۰	۰/۰۸۹	۱۳۵/۳۰	گروه سنی

۰/۰۰	۳۲	۰/۱۳۲	۲۹۹/۰۸	۰/۰۰	۳۲	۰/۰۷۵	۹۶/۱۹۷	تحصیلات
۰/۰۰	۲۴	۰/۰۸۴	۱۱۹/۶۵	۰/۰۰	۲۴	۰/۰۶۳	۶۸/۲۰۸	دین داری
۰/۰۰	۱۶	۰/۰۸۴	۱۲۱/۱۳۷	۰/۰۰	۱۶	۰/۰۵۹	۵۹/۲۸۲	وضعیت تأهل
۰/۰۰	۱۶	۰/۲۰۴	۷۱۲/۴۵	۰/۰۰	۱۶	۰/۲۰۰	۶۸۰/۶۶	تصمیم گیری زنان درباره نوع حجاب و پوشش خودشان
۰/۰۰	۱۶	۰/۱۳۹	۳۲۹/۰۷	۰/۰۰	۱۶	۰/۰۷۷	۱۰۲/۴۲	نوع پوشش زنان در اماکن عمومی

۵. تحلیل‌های چندمتغیره رگرسیون لجستیک

نتایج تجزیه و تحلیل‌های رگرسیون لجستیک در قالب دو مدل چندمتغیره در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. نخستین مدل تحقیق دربردارنده متغیرهای جمعیت شناختی شامل جنسیت، محل سکونت، گروه سنی، تحصیلات و وضعیت تأهل است. در دومین مدل تحقیق نیز افزون بر متغیرهای جمعیت شناختی، متغیرهای اجتماعی-فرهنگی شامل دین داری، نوع پوشش زنان در اماکن عمومی و تصمیم گیری زنان در خصوص نوع پوشش خودشان به عنوان متغیر مستقل مدنظر قرار گرفته‌اند. به طور خلاصه مدل چندمتغیری اول مبتنی بر آزمون اوم نی بوس، برآزش مدل قابل قبول و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است. نتایج دو آماره پزودو (ضریب تعیین کاکس و نل و ضریب تعیین نیجل کرک) بیانگر آن است که پنج متغیر مستقل تحقیق توانسته‌اند بین ۱۱/۲ تا ۱۵/۱ درصد از تغییرات نگرش جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب را تبیین کنند. صحت طبقه‌بندی در این مدل، ۶۷/۶ درصد است. افزون بر این، مدل چندمتغیری دوم نیز مبتنی بر آزمون اوم نی بوس، برآزش مدل قابل قبول و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است. نتایج دو آماره پزودو (ضریب تعیین کاکس و نل و ضریب تعیین نیجل کرک) حاکی از آن است که پنج متغیر مستقل تحقیق توانسته‌اند بین ۱۵/۲ تا ۲۶/۶ درصد از تغییرات نگرش جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب را تبیین کنند. صحت طبقه‌بندی در این مدل، ۶۷/۹ درصد است. قدرت تبیین مدل با ورود متغیرهای اجتماعی-فرهنگی در حدود ۱۱/۱ درصد افزایش یافته است.

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل‌های رگرسیون لجستیک چندمتغیره مرتبط با نگرش جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب

مدل چندمتغیری ۲		مدل متغیری ۱		متغیرهای مستقل		
Sig	Exp(B)	Sig	Exp(B)			
-	-	-	-	مردان (گروه مرجع)	جنسیت	
۰/۰۰۰	۰/۴۷۸**	۰/۰۰۰	۰/۶۳۲**	زنان		
-	-	-	-	شهر (گروه مرجع)	محل سکونت	
۰/۰۴۲	۱/۲۲۰*	۰/۸۰۶	۰/۹۶۸	روستا		
-	-	-	-	۱۹-۱۵ (گروه مرجع)	گروه سنی	
۰/۰۰۰	۰/۴۸۰**	۰/۰۰۰	۰/۴۷۵**	۲۰-۲۴ساله		
۰/۰۰۰	۰/۴۵۷**	۰/۰۰۰	۰/۴۶۶**	۲۵-۲۹ساله		
۰/۰۰۰	۰/۴۶۲**	۰/۰۰۰	۰/۴۶۵**	۳۰-۳۴ساله		
۰/۰۰۳	۰/۵۱۹**	۰/۰۰۰	۰/۴۸۳**	۳۵-۳۹ساله		
۰/۰۱۰	۰/۵۵۲*	۰/۰۰۳	۰/۵۳۰**	۴۰-۴۴ساله		
۰/۰۰۰	۰/۳۶۵**	۰/۰۰۰	۰/۳۵۵**	۴۵-۴۹ساله		
۰/۰۰۲	۰/۴۶۸**	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶**	۵۰-۵۴ساله		
۰/۰۰۰	۰/۳۱۸**	۰/۰۰۰	۰/۳۲۵**	۵۵-۵۹ساله		
۰/۰۰۱	۰/۳۱۳**	۰/۰۰۰	۰/۳۰۹**	۶۰ سال به بالا		
-	-	-	-	بی سواد (گروه مرجع)		تحصیلات
۰/۵۹۳	۰/۸۷۹	۰/۹۳۸	۱/۰۱۸	ابتدایی		
۰/۰۱۶	۰/۵۵۴*	۰/۱۵۵	۰/۷۲۲	راهنمایی		
۰/۰۴۰	۰/۶۱۸*	۰/۶۹۶	۰/۹۱۸	دبیرستان		
۰/۴۲۲	۱/۲۱۶	۰/۰۱۰	۱/۷۹۴*	فوق دیپلم		
۰/۴۲۸	۱/۲۰۹	۰/۰۰۶	۱/۸۳۷**	لیسانس و بالاتر		
-	-	-	-	مجرد (گروه مرجع)	وضعیت تأهل	
۰/۰۰۰	۰/۵۷۶**	۰/۰۰۰	۰/۵۴۵**	متأهل		
۰/۷۷۰	۰/۹۰۰	۰/۸۶۲	۰/۹۴۴	طلاق گرفته		
۰/۰۳۶	۰/۴۷۷*	۰/۰۲۶	۰/۴۷۷*	فوت همسر		

-	-	-	-	خیلی زیاد (گروه مرجع)	دین داری
۰/۱۰۷	۱/۲۷۶			زیاد	
۰/۰۰۰	۱/۷۴۹**			کم	
۰/۰۱۴	۱/۶۳۹*			خیلی کم	
۰/۰۲۸	۲/۱۶۸*			اصلاً	
-	-	-	-	پوشش چادر (گروه مرجع)	نوع پوشش زنان در اماکن عمومی
۰/۰۰۰	۱/۷۹۶**			پوشش مقنعه	
۰/۰۰۰	۲/۱۹۲**			پوشش روسری	
۰/۰۰۰	۴/۶۸۴**			موافق نبودن	
-	-	-	-	کاملاً موافق (گروه مرجع)	تصمیم گیری زنان در خصوص نوع پوشش
۰/۰۰۰	۰/۶۴۷**			موافق	
۰/۳۲۴	۰/۸۸۲			مخالف	
۰/۵۰۱	۰/۹۰۶			کاملاً مخالف	

خلاصه و نتیجه گیری

در این تحقیق کوشیده‌ایم در حد امکان یافته‌های علمی و شواهد پژوهشی را به منظور شناخت بهتر برخی از مهم‌ترین الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با نگرش جنسیتی گروه‌های شیعی و سنی مذهب ارائه دهیم. برای بررسی و سنجش نگرش جنسیتی نیز از مدل اگموند و همکاران (۲۰۱۰) استفاده کرده‌ایم که مبتنی بر طیفی از گویه‌ها و مؤلفه‌های جنسیتی (مشمول بر «مرد به عنوان نان‌آور خانه و زن به عنوان خانه‌دار»، «مشارکت زن و شوهر در انجام کارهای داخلی خانه»، «فرصت برابر مرد و زن برای ارتقای شغلی و مدیریتی»، «تأمین تسهیلات برای اشتغال زنان مانند مهد کودک و غیره»، «خوب و محترم بودن زن شاغل به اندازه زن غیرشاغل»، «اشتغال زنان در کارهای خارج خانه») است. به طور خلاصه، تجزیه و تحلیل‌های مقدماتی این تحقیق نشان داده در اغلب این گویه‌های جنسیتی، نحوه نگرش دو گروه شیعی و سنی مذهب کمابیش شبیه و همانند یکدیگر است؛ مثلاً در حدود نیمی از جمعیت شیعی مذهب و حدود نیمی از جمعیت سنی مذهب نگرش مثبت به گویه جنسیتی «مرد به عنوان نان‌آور خانوار و زن به عنوان خانه‌دار» دارند یا تقریباً یک‌سوم جمعیت سنی مذهب و حدود یک‌سوم جمعیت شیعی مذهب با گویه جنسیتی مبنی

بر «فرصت برابر مردان و زنان برای ارتقای شغلی» موافقاند. در عین حال بیشترین و بالاترین میزان تفاوت بین دو گروه شیعی و سنی مذهب را می‌توان در نحوه نگرش آنان درباره اشتغال زنان در کار خارج خانه مشاهده کرد: تقریباً سه چهارم جمعیت شیعی مذهب (حدود ۷۲ درصد) و دو سوم جمعیت سنی مذهب (حدود ۶۵ درصد) دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند. مطابق تجزیه و تحلیل این تحقیق، هم در جمعیت سنی مذهب و هم در جمعیت شیعی مذهب، زنان به مراتب بیش از مردان هم مذهبی خویش به تمامی گویه‌های جنسیتی تحقیق، نگرش مثبت دارند. اگرچه این تفاوت جنسیتی در همه گویه‌های تحقیق مشاهده می‌شود؛ اما بیشترین سطح این تفاوت در نحوه نگرش به اشتغال زنان است: تنها حدود یک سوم مردان اعم از سنی مذهب و شیعی مذهب دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ در حالی که این نسبت در میان زنان شیعی و سنی مذهب به مراتب بیشتر است؛ به طوری که سه چهارم زنان سنی مذهب (حدود ۷۴ درصد) و چهارپنجم زنان شیعی مذهب (۸۰ درصد) دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ بنابراین می‌توان این نکته به مراتب مهم‌تر را استنتاج و استنباط کرد که نحوه نگرش جنسیتی بیش از آنکه تحت تأثیر و ناشی از مذهب و تعلق مذهبی باشد، تحت تأثیر متغیر جنس است؛ بدین معنا که زنان شیعی و سنی مذهب به میزان یکسان و مشابه همدیگر بیش از مردان هم مذهبی خودشان دارای نگرش مثبت به این مؤلفه‌ها و گویه‌های جنسیتی هستند. این بخش از نتایج تحقیق نه تنها مؤید الگوی «پیش‌قراولی و پرچم‌داری زنان در عرصه نگرش‌های جنسیتی مدرن و غیر سنتی» است؛ بلکه با ادبیات تحقیق نیز انطباق و هماهنگی دارد که جمعیت زنان به‌ویژه دختران جوان را «موتور محرک تحولات نگرشی نقش‌های جنسیتی» (See: Valentova, 2013, p.49) معرفی کرده است.

افزون بر این، این الگوهای کلی نگرش جنسیتی دو گروه شیعی و سنی مذهب به طور معناداری تحت تأثیر دو دسته عوامل و متغیرهای تعیین‌کننده زیر هستند: گروه اول شامل متغیرها و تعیین‌کننده‌های جمعیت‌شناختی پایه مانند محل سکونت، وضعیت تأهل، سن و سطح تحصیلات است؛ به طوری که مطابق نتایج این تحقیق، شهرنشینان بیش از روستاییان، مجردان بیش از متأهلان، جوانان بیش از بزرگ‌سالان، و تحصیل‌کردگان دانشگاهی بیش از بی‌سوادان و کم‌سوادان، دارای نگرش مثبت به مؤلفه‌ها و گویه‌های جنسیتی مانند اشتغال زنان هستند. گروه دوم دربردارنده متغیرهای مرتبط با مؤلفه‌های دین و دین‌داری است.

یافته‌های این بخش از پژوهش حاضر نیز نشان داده نه تنها هرچه بر شدت میزان دین‌داری افزوده می‌شود، میزان نگرش مثبت به گویه‌های جنسیتی ضعیف می‌شود؛ بلکه افراد برخوردار از نگرش مذهبی ملایم‌تر و خفیف‌تر درباره‌ی نوع حجاب (مثلاً پوشش روسری به جای پوشش چادر) و همچنین درباره‌ی تصمیم‌گیری زنان درباره‌ی نوع پوشش نیز دارای نگرش به مراتب مثبت‌تری به مؤلفه‌ها و گویه‌های جنسیتی هستند؛ مثلاً بیش از چهارپنجم معتقدان به ملایم‌ترین نوع پوشش مانند روسری دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند؛ در حالی که این نسبت بین معتقدان به پوشیده‌ترین نوع حجاب، یعنی چادر به کمترین میزان کاسته می‌شود؛ به طوری که تنها کمتر از نیمی از آنان دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند. در گویه‌های جنسیتی دیگر نیز این تأثیرپذیری نگرش جنسیتی هردو گروه شیعی و سنی مذهب از متغیرهای مرتبط با دین و دین‌داری نیز ملاحظه می‌شود؛ به طوری که مثلاً هم در جمعیت شیعی و هم در جمعیت سنی مذهب، میزان نگرش مثبت به گویه «مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی» در میان کسانی که کاملاً موافق با تصمیم‌گیری زنان درباره‌ی نوع حجاب و پوشش خودشان هستند، نزدیک به دوبرابر بیشتر از میزان آن بین کسانی است که کاملاً با این تصمیم‌گیری مخالف‌اند. این بخش از یافته‌های تحقیق حاضر و نتایج تحقیق ماریونک و همکاران (۱۹۹۴) مطابقت دارد؛ زیرا آنان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که نه تنها نگرش جنسیتی زنان به طور چشمگیری متمایل به رویکرد تساوی جنسیتی و برابری طلبانه است؛ بلکه کسانی که از دین‌داری بالاتری برخوردارند نیز معمولاً نگرش‌های جنسیتی سنتی دارند.

جان کلام اینکه یافته‌های تحقیق حاضر را می‌توان در چارچوب پدیده‌هایی همچون نوگرایی (Good, 1963, p.99)، تغییرات اجتماعی (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹)، فردگرایی و تغییرات بنیادین در نظام ارزش‌های جامعه (/ van de Kaa, 1987, p.53 / Inglehart, 1977, p.159 / Rowland, 2012, p.104 / Lesthaeghe, 1995, p.209) تبیین کرد زیرا تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان داده هرچه غلبه‌ی رویکرد نوگرایانه و غیرسنتی و لیبرالی برجسته‌تر و قوی‌تر می‌شود، بر شدت نگرش مثبت هردو گروه شیعی و سنی مذهب به نقش‌های جنسیتی، مانند اشتغال زنان در خارج خانه و مشارکت همسران در انجام کارهای خانگی و غیره نیز افزوده می‌شود. این جمع‌بندی نهایی را نه تنها می‌توان در متغیرهای مربوط به دین و دین‌داری با وضوح بیشتری مشاهده کرد؛ بلکه در متغیرهای گروه اول، یعنی متغیرهای جمعیت‌شناختی پایه نیز این الگوی

نهایی کمابیش آشکار است؛ بدین معنا که متغیرهایی همچون سن، وضعیت تأهل، محل سکونت و سطح تحصیلات نیز بدین شکل، عناصر تعیین کننده نحوه نگرش جنسیتی گروه‌های شیعی و سنی مذهب قلمداد می‌شوند که رویکرد نوگرایانه و لیبرالی و غیرسنتی معمولاً و نه همیشه در میان نوجوانان و جوانان بیش از بزرگسالان، بین مجردان بیش از متأهلان، در شهرنشینان بیش از روستاییان و در میان افراد دارای تحصیلات عالی، بیش از بی‌سوادان یا کم‌سوادان برجسته و غالب است. در همین چارچوب می‌توان گفت نتایج این تحقیق با ایده اصلی وستوف و جونز (۱۹۷۹) مطابقت و همخوانی بیشتری دارد که در دوران معاصر به‌ویژه هرچه جوامع بیشتر مدرن می‌شوند، تفاوت میان گروه‌های دینی مذهبی از نقطه نظر نگرش جنسیتی رفته‌رفته کم‌اهمیت‌تر می‌شود (Westoff & Jones, 1979, p.312). به بیان دقیق‌تر، یافته‌های تحقیق حاضر را نیز می‌توان شواهد تجربی در چارچوب مبانی نظری این تحقیق به‌ویژه دیدگاه کافمن و اسکایریک (۲۰۱۲) قلمداد کرد؛ مبنی بر اینکه تعلقات دینی و مذهبی همچون یک عنصر ثانوی در تبیین نگرش جنسیتی عمل می‌کنند و سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و واقعیت‌های زندگی روزمره نقش به مراتب مهم‌تری ایفا می‌کنند که برای نمونه می‌توان به مواردی همچون زندگی روستائینی در برابر شهرنشینی، سنت‌گرایی و بی‌سوادی در برابر مدرنیسم و نوگرایی و گسترش تحصیلات عالی و غیره اشاره کرد. نتایج تحقیق حاضر نشان داده سطح تحصیلات دارای تأثیرات تعیین کننده‌ای بر نگرش جنسیتی هر دو گروه شیعی و سنی مذهب است؛ به طوری که به موازات افزایش سطح سواد به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی، نوعی هم‌گرایی و همسویی در نحوه نگرش جنسیتی دو گروه مذهبی شیعی و سنی شکل می‌گیرد. در پایان و از منظر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نیز می‌توان گفت با توجه به اینکه جامعه ما کماکان دارای ساختار سنی جوان (با میانگین سنی نزدیک به سی سال) و روند فزاینده تحصیلات و تجرد و شهرنشینی است، بنابراین پتانسیل و زمینه‌های توسعه نگرش مثبت به نقش‌های جنسیتی وجود دارد.

منابع و مأخذ

۱. اسدی، علی و همکاران؛ «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران: گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳»؛ تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۶، ص ۱-۴۸.
۲. ترکاشوند، محمد؛ «قومیت و باروری: نگاهی به کارهای صورت گرفته در ایران»؛ فصلنامه جمعیت، ش ۸۰، ۱۳۹۱، ص ۶۵-۸۲.
۳. حسینی، حاتم و محمدجلال عباسی شوازی؛ «تعیین کننده‌های بلا فصل باروری زنان کرد و ترک شهرستان ارومیه: کاربرد روش تجزیه بونگارت»؛ مطالعات اجتماعی ایران، ش ۱۰، ۱۳۸۹، ص ۴۸-۲۳.
۴. خمه‌ای، اکرم؛ «بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران»؛ نشریه مطالعات روان‌شناختی، دوره ۳، ش ۲، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹-۱۴۶.
۵. طالب، م. و م. گودرزی؛ «قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروه‌های قومی در سیستان و بلوچستان»؛ پژوهش زنان، ۲ (۱)، ۱۳۸۳، ص ۴۸-۲۳.
۶. گلدستون، ج. و همکاران؛ جمعیت‌شناسی سیاسی: نقش جمعیت در نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین‌المللی؛ ترجمه ی. فروتن؛ تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، ۱۳۹۵.
۷. گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۳.
۸. فروتن، یعقوب؛ «هژمونی مردانه جامعه‌پذیری در ایران»؛ مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، دوره ۳، ش ۴، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳-۱۵۵.
۹. فروتن، یعقوب؛ «زمینه‌های فرهنگی تحولات جمعیت‌شناختی: با اشاراتی به انتقال باروری در ایران»؛ فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۱۴، ۱۳۸۸، ص ۹۱-۱۱۰.
۱۰. فروتن، یعقوب و همکاران؛ «ملاحظات قومی - مذهبی نگرش جنسیتی در شهرستان بجنورد»؛ فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۵، ش ۱۸، ۱۳۹۵، ص ۸۵-۱۰۶.
۱۱. عبدی، عباس و محسن گودرزی؛ تغییرات فرهنگی در ایران؛ تهران: انتشارات روش، ۱۳۷۷.

۱۲. لوکاس، د. و پ. میر؛ *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*؛ ترجمه ح. محمودیان؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۱۳. محمودیان، ح. و ر. نوبخت؛ «مذهب و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های سنی و شیعه شهر گله‌دار استان فارس»؛ *مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۱)، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵-۲۱۵.
14. Blee, K. and A. Tickeamy; "Racial differences in men's attitudes about women's gender Roles"; *Journal of Marriage and Family*, 57 (1), 1995, pp.21-30.
15. Cotter D A, J M Hermsen and R Vanneman; "Women's Work and Working Women: The Demand for Female Labor"; *Gender and Society*, Vol. 15, No. 3, 2001, pp.429-452.
16. Davis, K; "Wives and Work: The Sex Role Revolution and Its Consequences"; *Population and Development Review*, Vol. 10, Issue 3, 1984, pp.397-417.
17. de Hoon, S. and F van Tubergen; "The Religiosity of Children of Immigrants and Natives in England, Germany and the Netherlands: The Role of Parents and Peers in Class"; *European Sociological Review*, 2014, pp.194-206.
18. Egmond, m. et al; "A Stalled Revolution? Gender Role Attitudes in Australia"; *Journal of Population Research*, 27, 2010, pp.144-168
19. Foroutan, Y.; "Formation of Gender Identity in the Islamic Republic of Iran: Does Educational Institution Matter?"; *Journal of Beliefs & Values: Studies in Religion & Education*, Vol. 39, Issue 2, 2018.
20. Foroutan, Y; "Muslim Minority of New Zealand in Global Context: Demographic Perspective"; *Journal of Muslim Minority Affairs*, 37 (4), 2017, pp.511-519.
21. Foroutan, Y.; "Misunderstood Population?: Methodological Debate on Demography of Muslims in the West"; pp.163-176, In: Yearbook of International Religious Demography, edited by Grim, B. et al. The Netherlands: Brill Press, 2015.
22. Good, W. J; *World revolution and family patterns*; New York: Free Press, 1963.
23. Huntington, S; *The Clash and Civilization and Remaking of World Order*; New York: Simon & Schuster, 1996.
24. Jacob, K. and Kalter, F; "Intergenerational Change in Religious Salience among Immigrant Families in Four European Countries"; *International Migration*, 51 (3), 2013, pp.38-56.
25. Kaufman, E. & Skirbekk, V.; "Go Forth and Multiply: The Politics of Religious Demography": pp. 121-149. In *Political Demography: How population changes are reshaping international security and national policies*. New York: Oxford University Press, 2012.
26. Inglehart, R; *The Silent Revolution*; Changing values and political styles among Western publics, Princeton: Princeton University Press, 1977.

27. Lesthaeghe, R; "The Second demographic transition in Western countries: An interpretation"; IN: Gender and Family change in industrialized countries, Oxford: Clarendon Press, 1995.
28. Marion C. Willetts-bloou, Stevenl.Nock; "Marriage. Family Lifean Womens Employment"; *sex Role*, vol,30, nos,5, 1994.
29. McQuillan, K; "When Does Religion Influence Fertility?"; *Population andDevelopment Review*, 30(1), 2004, pp.25-56.
30. Miller, S; "Jewish Newspaper Remove Women from Photo of Leaders"; BBC Newsbeat Sections, 13 January, 2015.
31. Rowland, D. T; *Population aging: the transformation of societies*; (Vol. 3): Springer Science & Business Media, 2012.
32. Shaditalab Jaleh; "Iranian Women: Rising Expectations"; *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, Vol. 14, No. 1, 2005, pp.35-55.
33. Valentova, M; "Age and sex differences in gender role attitudes in Luxembourg between 1999 and 2008"; *Work, employment and society*, 27(4), 2013, pp.639-657.
34. van de Kaa, K; "Europe's second demographic transition"; *Population Bulletin*, 42 (1), 1987, pp.1-57.
35. Westoff, C. F. & Jones, E; "The End of Catholic' Fertility"; *Demography*, 16 (2), 1979, pp.209-217.